

بررسی زیبایی‌شناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

رقیه رستمی*

دکتر مریم محمودی**

چکیده

زیبایی مفهومی پیچیده و انتزاعی است که آرایهٔ تعریفی جامع و مانع از آن غیر ممکن است. از سویی همگان می‌توانند درکی از زیبایی داشته باشند اما از سوی دیگر، مانند بسیاری از مفاهیم دیگر همهٔ این ادراکات مورد اتفاق نظر قرار نمی‌گیرد. زیبایی از ویژگی‌های ذاتی ادبیات به عنوان یک خصیصهٔ هنری است. در میان عناصر مختلف هنر، شعر از عناصر مهم کلامی است که در قالب زبان و کلام بیان می‌شود و ارتباط تنگاتنگی با مخاطب و خوانندگان خود برقرار می‌کند و در صورتی که شاعر از عناصر زیبایی آفرین استفاده کند، می‌تواند ارتباطی بهتر و سازنده‌تر برقرار نماید. در این مقاله با هدف نقد عملی زیبایی‌شناسی، منظومهٔ منوهر و دمالت از ظهیر کرمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، این منظومه پر از احساسات لطیف و ناب است و شاعر با به کار بردن مهارت‌ها و تکنیک‌های ادبی سعی در آرایش کلام نموده است. این بررسی نشان می‌دهد که شاعر از عناصر مختلف زیبایی‌شناسی در جهت نشان دادن خلاقیت ادبی خود استفاده کرده است.

واژه‌های کلیدی

زیبایی‌شناسی، ظهیر کرمانی، منوهر و دمالت، منظومهٔ عاشقانه.

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران.

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران. (نویسنده مسؤل)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۹

درک زیبایی هم از منظر ظاهری و هم معنایی در شعر فارسی از مسایل قابل اهمیت زیباشناسی اشعار محسوب می‌شود. «هدف زیبایی‌شناسی توضیح چستی زیبایی و نحوه درک ما از آن و نیز تحلیل سطوح و گونه‌های آن است. هم‌چنین شاید توصیه برای زیباسازی هم بتواند جزء مباحث آن قلمداد شود» (رجینالد هالینگ دیل، ۱۳۹۴: ۷۹)

از این منظر، رویکرد زیباشناسی در باب اشعار فارسی و توجه به معناگرایی، حکمت‌آمیزی و مفاهیم عرفانی و غنایی، شناخت جنبه‌های زیبایی اشعار و معناشناسی باعث می‌شود تا خواننده، بیشتر با زیبایی‌های نهفته در عالم معنایی شعر و شاعر آشنا گردد. «زیبایی‌شناسی هرگونه بحث علمی و قابل پذیرش در میان دانشمندان درباره زیبایی است. زیبایی‌شناسی مشحون از مباحث استحسانی درجه اولی و درجه‌دومی است و این ایرادی ندارد. بحث‌هایی چون چستی زیبایی، چگونگی و چرایی درک زیبایی، عصب ادراک‌شناسی زیبایی و نیز تحلیل وجوه زیبایی یک موجود خاص مانند یک مخلوق از مخلوقات الهی (یک گل) یک اثر هنری یا یک ادراک زیبایی مانند عشق، اوج لذت جنسی و بهجت که در آن سنخ ادراکات زیبایی وجود دارد، همه و همه از مباحث زیبایی‌شناسی است.» (همان)

فیلسوفان و هنرمندان از ابتدای تاریخ بر سر زیبایی اختلاف نظر داشتند به صورتی که افلاطون زیبایی را هماهنگی اجزا با کلمی دانست و آن را به دو نوع زیبایی طبیعت و موجودات زنده و زیبایی هندسه، خط و دایره تقسیم می‌کرد. او معتقد بود که زیبایی طبیعی نسبی است، در حالی که زیبایی هندسی یا آنچه به دست بشر ساخته می‌شود مطلق است و آنچه در نظریه افلاطون، زیبایی هندسی نامیده شده را لوکوربوزیه زیبایی مهندسی نامیده است. هگل بر اساس نظریات افلاطون، قایل به دو نوع زیبایی طبیعی و هنری بود. در هر حال تصدیق یقینی برای وجود خارجی زیبایی بسیار مشکل است. رک: (همان: ۲۳۸)

از آنجا که عوامل روحی و ادراکات روانی انسان در اجتماع در زندگی و درک او از زیبایی نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ از قرن هجدهم به بعد توجه به جنبه‌های روان‌شناسی در ادراک

۳ ■ بررسی زیباشناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

مفاهیم زیبایی پررنگ‌تر گردید. در حقیقت هنگامی زیباشناسی آثار هنری و ادبی قابل ادراک می‌گردد که یک اثر بتواند یک موجود مستقل در ذهن مخاطبان باشد.

«یکی از مسایل مهمی که در باب ارزش آثار هنری طرح می‌شود، تغییرات پیش آمده در اجرای آثار تاریخی است. مسأله مطرح شده این است که آیا در اجراهای موسیقی باید اصالت تاریخی و نزدیکی به نسخه اصلی را نصب العین قرار داد یا خیر؟ مسأله مهم دیگر در بحث ارزش آثار هنری، این است که آیا ارزش هنری تابلویی اصل از ارزش هنری بدل و کپی کاملی از آن بیش‌تر است و چگونه؟» (نایجل واربرتون، ۱۳۹۰: ۲۳۸-۲۳۷)

بنا بر این گفته‌ها، اطلاعات زیبا شناختی، عواطف و احساسات انسانی را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس یک شعر، زمانی، زیبایی را بیشتر القا می‌کند که مخاطب و خوانندگان را با احساسات و عواطف درگیر سازد و هم‌چنین میزان هنرآفرینی و ابتکارات هنری شاعر نیز از تازگی‌های خاص خود برخوردار باشد و محتوای زیباشناختی آن بتواند بر ذهن و روان مخاطب بیشتر اثرگذار باشد.

منظومه مجمع‌البحرین (منوهر و دمالت) از شاعری به نام ابراهیم ظهیر کرمانی (ظهیرالاسلام) است. وی از شاعران قرن ۱۲ هـ ق است که متولد کرمان و مذهبش تشیع بود. از این شاعر ناآشنا چهار اثر، باقی مانده است: دیوان، گلشن ظهور، وامق و عذرا و مجمع‌البحرین. «وامق و عذرا، تنها اثر تصحیح شده ظهیرکرمانی است که در سال ۱۳۷۰ توسط اسدالله شهریاری، تصحیح و چاپ شده است و سه اثر دیگر وی، تا کنون به تصحیح و چاپ نرسیده‌اند. دیوان شعر که مجموعه شعرهای شاعر است، مشتمل بر ۱۰ هزار بیت، تنها نسخه خطی باقی مانده از آن، با شماره ۹۵۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

مجمع‌البحرین، داستانی منظوم است که سراینده در آن، یکی از افسانه‌های پنج‌گانه و مشهور هندی به نام منوهر و دمالت را به نظم درآورده است. تاکنون پنج نسخه از این منظومه در کتابخانه‌های مجلس و آستان قدس رضوی معرفی شده است. «این منظومه از علی عسکر

۴ بررسی زیباشناسی منظومه منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

عاقل خان رازی هندی، از شاعران ری است. نام‌های دیگر منظومه را مهر و ماه، دمالت و منوهر یا نغمات العشاق گفته‌اند. این مثنوی از افسانه‌های کهن هندی بوده که عاقل خان آن را به نظم کشیده است. ظهیر کرمانی، به سال ۱۱۶۲ ق، داستان عاقل خان را به نظم درآورد. منظومه وی ۴۰۰۰ بیت دارد و در بحرهای گوناگون سروده شده و به همین دلیل به مجمع‌البحرین مشهور گردیده است. (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۸۰۲).

در مقاله حاضر تلاش می‌شود عناصر زیبایی‌شناسی در منظومه منوهر و دمالت بررسی شود. این پژوهش بر اساس نسخه مجمع‌البحرین با شماره بازیابی ۴۹۴۵، کتابخانه رضوی مشهد، صورت گرفته است.

پیشینه تحقیق

منظومه عاشقانه منوهر و دمالت ظهیر کرمانی تا کنون تصحیح و چاپ نگردیده و پژوهش مستقلی، در مورد زوایای مختلف این اثر ناشناخته صورت نگرفته است.

تا کنون درباره ظهیر کرمانی و آثارش تحقیقات زیر صورت گرفته است:

الف) منظومه «وامق و عذرا» (۱۳۸۸) که توسط اسدالله شهریار تصحیح و چاپ شده است.
ب) فرم‌شناسی منظومه «وامق و عذرا» ظهیر کرمانی، عنوان پایان‌نامه‌ای است که نویسنده آن نرگس صائمی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور اهواز بوده است. نگارنده در این پژوهش، معتقد است که ظهیر در کاربرد فنون ادبی مهارت بسیار داشته و این داستان شباهتی به وامق و عذراهای دیگر ندارد و به طور کامل تخیلی است.

ج) حسن بساک و فاطمه بیگم عصایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به مقایسه وامق و عذرای ظهیر و ازهر و مزهر حکیم نزاری قهستانی پرداخته‌اند. در این مقاله، نگارندگان معتقدند که منظومه وامق و عذرا داستانی مخیل است و به تقلید از خسرونامه عطار سروده شده است. زبان این منظومه مزین به آرایه‌های ادبی است؛ اما اثر نزاری قهستانی نسبت به آن ساده‌تر است و این مسأله اثر وی را از شکل حجمی به خطی بدل ساخته است.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

پرسش‌های تحقیق

ظهیر کرمانی برای زیباسازی منظومه منوهر و دمالت از چه عناصری بهره برده است و در این راه تا چه حد موفق بوده است؟
آیا ظهیر سمرقندی در زیبایی‌بخشی به شعر خود خلاقیت و ابتکاری داشته است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی و توصیفی و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. نامه‌های مورد نظر را از نظر ساختار بررسی می‌شود.

بحث و بررسی

زیباشناسی منظومهٔ منوهر و دمالت

موسیقی در منظومهٔ منوهر و دمالت

توجه به زیبایی از مسایل مهمی است که از دیرباز تا کنون ذهن همگان را به خود مشغول نموده و در زندگی و ذهن و جان بشر این موضوع اهمیت زیاد به خود گرفته است. زیبایی نه تنها در زندگی و هنر بلکه در شعر نیز مقولهٔ قابل توجه و مبحث مهم ادبی به شمار می‌آید. در کتاب موسیقی شعر، شفیعی کدکنی تعاریف و اصطلاحات مختلفی دربارهٔ این موضوع آمده، وی بر این باور است که وجود و کاربرد موسیقی در کلمات از موضوعاتی است که انسان‌های اولیه را به شگفتی واداشت و معتقد است که موسیقی شعر یکی از مولفه‌های مهم و بنیادی در ساختار یک شعر محسوب می‌شود. شفیعی کدکنی به چهار نوع (موسیقی) و عنصر زیبایی‌آفرین در شعر اعتقاد دارد:

- موسیقی بیرونی (همان اوزان عروضی)

- موسیقی کناری (قافیه، ردیف، تکرارها و ترجیع‌ها)

۶۶ بررسی زیباشناسی منظومه منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

- موسیقی درونی (هماهنگی صامت‌ها و مصوت‌ها و ایجاد طنین موسیقایی در کلمات)
- موسیقی معنوی (شناخت کیفیت تألیف و علم نسبت‌ها در شعر). رک: (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۸۹-۲۷۱)

توجه و رعایت این اصول و عناصر زیبایی آفرین، نزد ادبا و شعرا پذیرفته و مقبول واقع شده است؛ با توجه به این موضوع، عناصر موسیقایی و زیباسازی مورد توجه ظهیر کرمانی را در این منظومه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

وزن لازمه شعر است. از نظر فارابی وزن و موسیقی از عوامل تخیل به شمار می‌آید و اخوان‌الصفاء، موسیقی را بحث از نسبت‌ها، در هر حوزه‌ای از حوزه‌های وجود که باشد، می‌دانند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۳۵). در سرودهای فارسی سبص و پنجاه وزن با موسیقی ویژه وجود دارد که هریک با فضای عاطفی خاصی هماهنگ است. (رک: وحیدیان کامکار، ۱۳۹۰: ۲۲)

غالباً سراسر منظومه‌ها در یک وزن سروده می‌شوند. شاعر با تقید به یک وزن معین در سراسر یک منظومه ناگزیر می‌شود که در سراسر شعر برای احوال و احساسات گوناگون که بناچار اوزان متفاوت را طلب می‌کند، جز همان یک وزن را به کار نبرد. این امر هرچند اقتضای سنت است؛ اما اقتضای طبیعت نیست. (رک: زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۱۱۴).

هر چند اغلب منظومه‌ها و مثنوی‌های بلند فارسی در یک وزن سروده شده‌اند، اما ظهیر در این منظومه از اوزان مختلف عروضی بهره گرفته و شاید از این منظر بتوان به خلاقیت وی در موسیقی شعر اشاره کرد. هر چند در این راه قطعا او اولین شاعر نیست. «یکی از راه‌های نوآوری در وزن شعر و تأثیر بر مؤلفه «وزن» استفاده از دو یا چند وزن عروضی در یک شعر است.» (معدن‌کن و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۸).

ظهیر از اوزان مختلفی (هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف، هزج مسدس محذوف، هزج مثنی اخرب، هزج مثنی اخرب مکفوف محذوف) بحر خفیف مسدس مخبون، بحر متقارب مثنی محذوف و بحر رجز استفاده کرده است. وزن با روحیات و اندیشه شاعر مرتبط است. «هرگاه بخواهیم که حالات را با کمک واژه‌ها نشان بدهیم، ناگزیر کلمات به شکل‌هایی

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی زیباشناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی ❑ ۷

تقسیم خواهد شد و هر قسمتی وزنی به خود می‌گیرد و از این ره‌گذر است که بحرهای شعر به وجود می‌آید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۴۸). بنا بر این هر بحر حالت خاصی را القا می‌کند. ظهیر کرمانی با آگاهی، از زحافات بحر هزج استفاده کرده، زیرا این بحر برای بیان مضامین عاشقانه، اخلاقی و دینی به کار رفته است. نمونهٔ برجستهٔ آن خسرو و شیرین نظامی و مثنوی‌هایی است که به تقلید آن سروده شده است. به گفتهٔ شمس قیس: «بحر هزج را از بهر آن بحر هزج نام کردند که اغلب نشیدات و اغانی عرب برین بحر است و در غنا و حدا از ترغید و تحسین آواز چاره نباشد و هزج، گردانیدن آوازست در غنا و در حد» (شمس قیس رازی، ۱۳۷۳: ۸۳) بحر خفیف نیز هرچند در اندوه‌نامه‌ها مثلاً حبسیات مسعود سلمان، کاربردی زیادی دارد اما بحر در مضامین شاد نیز بسیار به کار رفته است زیرا وزنی سبک است. بحر متقارب نیز هرچند برای سرودن داستان‌های حماسی چون شاهنامه، گرشاسپ‌نامه، برزنامه و دیگر منظومه‌های حماسی به کار رفت اما منظومه‌های عاشقانه چون وامق و عذرا، سرخ‌بت و خنگ‌بت، و ورقه و گلشاه نیز در همین بحر سروده شده‌اند.

ظهیر علاوه بر بهره‌گیری از اوزان شعری در ایجاد موسیقی، از صنعت تکرار به خوبی و با بسامد بالایی سود جست است و موسیقی شعرش را افزایش داده است. شاعر با توجه به نقش آواها و تکرار، به طور آگاهانه از این عناصر برای اهداف هنری خود استفادهٔ بهینه کرده است. زیرا موسیقی شعر و تکرار باعث آراستگی سخن وی شده، ساختار آن را منظم نموده است. «گزینش دلخواه در کاربرد لایهٔ آوایی زبان بیش از هر جا در سخن ادبی ممکن است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۷). تکرار واژه یا حرف یا هجا نوعی هنجارگریزی است که این نوع در سطح تحلیل واژگانی بررسی می‌شود نیز آواها (یا واج‌ها) نیز در انتقال معنا و مفهوم موثرند؛ «الکساندر پوپ، شاعر و منتقد معروف انگلیسی، بر این عقیده است که در هر شعر صوت باید انعکاسی از معنی و ارتباطی با آن داشته باشد» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۷۲). پس احساسات گوینده یا نویسنده بر زبان او و انتخاب آواهای کلامی تأثیرگذار است. گاهی در جمله واج یا صامتی تکرار می‌شود (واج‌آرایی)، گاه مصوتی (هم‌حروفی)، گاه واژه‌ای (تکرار و تکریر) این مباحث

۸۸ بررسی زیباشناسی منظومه منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

را با عنوان تکرار بررسی می‌کنیم.

تکرار یک یا چند واج صامت یا مصوت در کلام را واج‌آرایی گویند که موجب پدید آمدن موسیقی درونی می‌شود. تکرار چه در سطوح مختلف؛ واژه، هجا و آوا، همیشه فایده موسیقایی به‌ویژه موسیقی درونی دارد. «موسیقی درونی و یا هم‌آهنگی کلمات زائیده عوامل گوناگون است از آن جمله مصوت‌ها، صامت‌ها، ترکیب آنها و چگونگی تکرار اصوات و هجاها در کلمات شعر» (همان: ۷۴).

بکن رحم میسندم از غم هلاک که حسرت برم از تو هم‌ره به خاک

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۵۲)

سمن چهر و گل بوی و نیکو نهاد در آن منـزلـم اذن بـودن نـداد

(همان: ۸۷)

در دو بیت بالا تکرار صامت «م» و «ن» موجب زیبایی شنیداری شده نیز در انتقال احساس و عاطفه موثر است؛ زیرا حروف مذکور از واج‌های روان و سایشی محسوب می‌شوند که برای بیان شادی و آرامش به‌کار می‌روند. یکی دیگر از جوانب موسیقی کلمات این است که ساختار آوایی کلمه، علاوه بر نقش معنایی و رسانگی خویش، از ره‌گذر مجموعه‌ای اصوات، به گونه‌ای غیر مستقیم مفهوم مورد نظر شاعر را ابلاغ می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۱۸)

هم‌صدایی به این معنی است، که یک مصوت در کلام تکرار یا توزیع شود.

ایـن زـمان بـر لـب آـر جـانم بیش از اینم نیست تاب هجرانم

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۸۳)

غنچـه بوسـتانِ مـحبـوبی مرغِ خوشِ خوانِ مجلسِ خوبی

(همان: ۸۳)

در ابیات زیر نیز تکرار علاوه بر ایجاد موسیقی باعث شکل‌گیری صنعت ردالصدر علی‌العجز شده است:

غـریـم گـرم بـخشی از خـود نصیب هم از لطف عامت نباشد غریب

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی زیباشناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی □ ۹

(همان: ۵۱)

آن جماعت دست برده سوی سنگ عرصه را کردند بر شهزاده تنگ
حمله کردند آن ددان از سنگ‌ها می‌رسانیدند در فرسنگ‌ها
شاه جستی هر دم از آسیب سنگ سنگ را رد کردی از خود بی‌درنگ

(همان: ۷۱)

قافیه یکی دیگر از جلوه‌های بصری و شنیداری در موسیقی شعر است؛ در اکثر مواقع نقش موسیقایی و صوتی قافیه نادیده انگاشته می‌شود. اما آشنایی خوب ظهیر با نظام آوایی کلمات شعر و انتخاب قافیه‌های گوش‌نواز و توجه به ارتباط معنایی و زیبایی کلمات (تناسب و تضاد) موجب گشته که وی قوافی خوش‌تراشی را در ساختمان اشعارش به کار برد.

چو ماهی بر اندیشهٔ جان‌گداز بپیـمـودن راه دور و دراز

عجایب بسی دید از بحر و به فضل حق ایمن شد از هر خطر

صبحدم چون فروغ مهر دمید آتش خاوری زبانسه کشید

(همان: ۷۱)

استفادهٔ زیبا و کاربردی کلمات متناسبی چون: (گداز، دراز) و (بَر، خطر) و (دمید، کشید) برای قوافی، گذشته از بیان عواطف و احساسات، دقت شاعر را نسبت به انتخاب قافیۀ متناسب که دارای صامت‌ها و مصوت‌های مشترکی هستند، نشان می‌دهد:

فروزندهٔ شمع کاشانه‌ها شرارافکن سوز پروانه‌ها

امید تو در ماسوا هیچ نیست به جز فضل و لطف خدا هیچ نیست

همی‌ریخت در این سخن دُر راز که ناگه پریان رسیدند باز

بدین سان بگفتند از روی مهر همان طوطی است آن بت ماه‌چهر

(همان: ۱۷۴)

بی‌شک این انتخاب درست، در موسیقی و گوش‌نوازی شعر دخالت مستقیم دارد. این موضوع، بیان‌گر توجه و دقت شاعر و انتخاب آگاهانهٔ وی برای ایجاد فضای مناسب و توجه

واژه‌گزینی و چینش کلمات در منظومه منوهر و دمالت

کاربرد ظرفیت‌های بومی در کلام

واژگان به‌خودی خود ارزش زیباشناسی ندارند بلکه گزینش‌شان در جمله موجب ارزش‌گذاری آنها می‌شود. «اگر بپذیریم که هر نوع شعر یا نثری که از ضمیر سراینده یا گوینده برمی‌خیزد، خالص‌ترین و صادق‌ترین نوع آن است، لاجرم گزینش کلمات و حروف و اصوات نیز در ارتباط مستقیم با احساس و ادراک و عاطفه گوینده و سراینده خواهد بود، و به تعبیری دیگر قوانین درستی سخن را روح و جان و دل و ضمیر گوینده می‌آفریند» (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۷).

آشنایی ظهیر با زبان و فرهنگ شبه قاره باعث کاربرد برخی از واژگان و اصطلاحات خاص این منطقه در این منظومه شده است. کاربرد ظرفیت‌های بومی در کلام بر واقع‌گرایی و عینیت آن می‌افزاید و نوعی هنجارگریزی از زبان معیار محسوب می‌شود. «اگر شاعر ساخت‌هایی از گویش خود را که در زبان هنجار نیست وارد شعر کند، هنجارگریزی گویشی کرده است. استفاده بجا از واژگان محلی مخاطب را با فضا و مکان شعر آشنا می‌سازد. استفاده بجا یعنی حفظ و احیای واژگان، افزایش ظرفیت زبان، حفظ تداوم حالت عاطفی شاعر.» (عباسی، ۱۳۷۸: ۱۲۰) نمونه از منظومه منوهر و دمالت:

بِه دسـتور رایـان هـندی نـژاد ز زر افسـر و چـتره بـر سـر نـهاد

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۷)

شاه چو مغلوبه ایشان بدید چنـدر هـندی ز میان برکشـید

داشت مگر آن شه عالی‌گهر چنـدری از اسـلحه‌اش بـر کـمر

گشت بسی ز آن قورده بسی‌شمار موجـه خون شد به فلک سیل‌وار

بررسی زیباشناسی منظومه منوهر و دمالت ظهیر کرمانی □ ۱۱

هر قردی را که زدی بر جگر می شدی از مَهْرَه پشتش به در

(همان: ۶۹)

بتی سرخیل دارالملک خوبی به معنی شاه و در صورت چو جوکی

(همان: ۷۸)

منم پیما به نام از ارجمندی مهین دخت چترسین رای هندی

(همان: ۷۹)

شد منوهر به شهر بسرانو از کف پای خسته تا زانو

(همان: ۷۸)

بمانی به سورج بهان پایدار که هم تخت گیری و هم تاج دار

(همان: ۹۹)

دید تاراچند را چون شهریار هم چو جان بگرفت تنگش در کنار

(همان: ۱۸۱)

کاربرد تناسب یا مراعات النظیر

مراعات النظیر قرارگرفتن واژگانی خاص و متعلق به یک حوزه معنایی است که در گزینش و چینش واژگان بسیار با اهمیت است؛ زیرا هم باعث زیبایی و هماهنگی بین اجزای کلام می شود و هم در انتقال معنا و مفهوم مورد نظر موثر است. «این که بار موسیقایی واژه در وجه تألیفی خود به جنبه تخیلی و عاطفی شعر یاری می رساند، نکته ای است که فرمالیست ها به خوبی دریافته اند. طبیعی است انتخاب یک واژه از میان مترادفات کار دشواری است اما این انتخاب زمانی مثمر ثمر واقع می شود که با تناسب آوایی دیگری دمخور و دمساز باشد» (آقاحسینی و آنگونه جونقانی، ۱۳۸۸: ۱۷۳). این آرایه ادبی نوعی فراهنجاری است که باعث توازن معنایی می شود. در ابیات زیر از منظومه منوهر و دمالت آرایه مراعات النظیر به کار رفته است:

۱۲ بررسی زیبایی‌شناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

جن زاده ز نـار سـوزناک اسـت او ز آتـش و بـاد و آب و خـاک اسـت

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۱۰)

شاه، رخ را دید و گشت از شوق مات بیدق جان داد از آن عرصه نجات

(همان: ۷۳)

همه ره را ز آب دیده، تر کرد چو آتش سوی خاکستر گذر کرد

پسر را دید هم چون شعله، سرکش به خاکستر گرفته جا چو آتش

بگفت ای شمع بزم نـازنـینی چـرا کـردی تـو خـاکسـترنشـینی

کجا بر خاطرم گیرد قراری که بر آینه‌ات بینم غباری

بگفتا نیست از این شیوهام ننگ که از غم نیست بر آینه‌ام زنگ

مشو غمگین که این کاری است معقول ز خاکستر شود آینه مصقول

بگفتا این نه رسم پادشاهی است به خاکسترنشستن روسیاهی است

(همان: ۵۸)

در ابیات بالا شاعر با ایجاد تناسب بین واژه‌های آتش، شعله، خاکستر، آینه و شمع به

خوبی الفاظ را در خدمت هدف خویش یعنی توصیف و ایجاد هیجان به کار گرفته است.

واژه‌های ترکیبی

یکی از امکانات خوب زبان فارسی ترکیب کردن چند کلمه و ساختن کلمه‌ای مناسب و

مرکب برای القای معانی در زبان است. مقصود آن است که با کمک دو تک واژه آزاد می‌توان

یک کلمه و واژه‌ای تازه بوجود آورد. ظهیر کرمانی با دانستن و درک این مفاهیم به

ترکیب‌سازی کلمات مختلفی برای ایجاد معانی نو و تازه دست زده است. بسامد این ترکیبات

در این منظومه قابل توجه است. برخی ترکیبات، همان ترکیبات معمول زبان فارسی هستند. اما

در برخی کلمات مشخص است که ظهیر تلاشی مضائف نموده که با ساختن کلمات مرکب و

نو، هنر خود را در سرایش شعر و توجه به زیبایی ساختاری کلمات نشان دهد. ترکیبی چون

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی زیبایی‌شناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی □ ۱۳

«نسرین بدن» و «عابد فریب» جدا از القای معانی یک دلبر گل‌عذار و دل‌ربا، به زیباسازی و زیبان‌گری ساخت واژه‌ها در دل شعر حکایت دارد:

بهار آمد ای سرو نسرین‌بدن که ریحان دمد چون خطب بر سمن
بهار آمد ای شوخ عابدفریب که بر دارد از عن‌دلیمان شکیب
(ظهیر، ۱۳۱۹: ۱۷۱)

ظهیر در بخش‌هایی از منظومه نیز تلاش نموده، با استفاده از کلماتی چون «پیکر، سوز، عذار، ماه، مه و...»

ترکیبات مرکبی بسازد و به نظر می‌رسد که شاعر به نوعی خود را ملزم ساخته تا در ساختن چنین کلمات مرکبی به انسجام و یکپارچه‌سازی و با عبارتی دیگر به دایره واژگانی منظم و خاصی که القا‌کنندهٔ معانی خاصی از زیبایی هستند، دست بزند.

جمعی از ماه‌پیکران پیری هم‌چو سرو سهی به جلوه‌گری
سوی آن گلشن آرم رفتند به تماشای آن صنم رفتند
(همان: ۹)

کاربرد چنین کلمات مرکبی علاوه بر زیبایی شعر، بیان‌گر توانایی شاعر در ساخت کلمات مرکب هستند و نشان‌گر انسجام متن و دایره لغات خاص هستند که ذهن و فکر شاعر را شکل داده:

البته بسود ز دل‌ربایان مه‌پیکری از بنات رایان
(همان: ۷۱)

ز چشمش گشته روشن چشم امید تجلی‌پیکری چون فیض جاوید
(همان: ۷۷)

تشبیه

تشبیهات در این منظومه از منظر گزینش واژگان قابل توجه است. بیشتر تشبیهات این اثر در بیان شگفتی و حیرت آفرینی و توصیف مشبّه است که این موضوع از روحیهٔ شادباشی و روح حاکم بر اثر حکایت دارد. بسامد بالای تشبیه بلیغ نکتهٔ قابل بررسی در تشبیهات این منظومه است و تأثیر ژرفی در تصویرسازی‌ها دارد. نمونه:

درخت امید (۵)، خورشید رخسار (۱۷)، بادهٔ عشق (۲۰)، دام عشق (۲۰)، پرده‌سرای نام و ناموس (۲۱) زهر عتاب (۲۲)، شمع حسن (۲۲) مرغ عقل (۲۳) مشق سحر و مکر و نیرنگ (۲۳) باران فتنه (۳۰) کشور ملامت (۳۶) جام آه و ناله (۳۷) رشته عصمت (۵۲) کتان دل (۵۵) لجه حیرت (۶۵) هوای همت (۶۷) حرم‌سرای ناموس (۹۰) گلاب خجالت (۹۱)

تصاویر تشبیهی این منظومه در وصف طلوع و غروب خورشید و فرارسیدن شب قابل توجه است:

چون موبد شب در این مغاره پسر گشت بساطش از ستاره

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۲۳۸)

چون گلبن مهر عالم‌افروز بشکفت سفیده‌دم گل روز

(همان: ۸۹)

صبح‌دم چون فروغ مهر دمید آتش خاوری زبان‌ه کشید

شب اندوه و غم به روز رسید صبح امید دل‌فروز رسید

(همان: ۸۷)

چو شب آهوی مهر آتشین‌رنگ نهان گردید در این دشت اورنگ

(همان: ۲۴۱)

چو شد آهوی چرخ نیلوفری زرافشان چو گوسالهٔ سامری

بررسی زیباشناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی □ ۱۵

(همان: ۲۴۳)

تشبیه تفضیل نیز در این متن بسامد بالایی دارد. نمونه:

خجیل از رخش گشته بُد لاله‌زار چو لاله از او سینه‌ها داغ‌دار

(همان: ۵)

قدش رشک آزاد سرو چمن لیش برده رنگ از عقیق یمن
ز داغ غمش یاسمن شد کبود در آن ملک مفتون او هر که بود

(همان: ۷)

لب و قد و رخسارش از دلبری نه کوثر، نه طوبی، نه حور و پری

(همان: ۱۸)

بسیاری از وجه شبه‌ها از نوع تخیلی است. نمونه:

چو گل بر جام‌ها زد چاک بر چاک فتاد از تخت خود چون سایه بر خاک

(همان: ۵۷)

چو نرگس بر زمین زد افسر زر که بر این سر گرانی می‌کند زر

(همان: ۵۷)

در این منظومه گاهی دو تشبیه با هم پیوند می‌خورند و دو یا چند تصویر تشبیهی در کنار هم قرار می‌گیرند. این شگرد تراحم تشبیه (تشبیه در تشبیه) نامیده می‌شود. مهم‌ترین کارکرد تراحم تشبیه در ابیات، برجسته کردن جنبهٔ زیبایی‌شناختی آن‌هاست. نمونه:

دهان باز کرده به مانند غار چو دوزخ از او می‌دمیدی بخار

نمایان به دندان او زهر ناب چو اژدر روان از دهانش لعاب

درخشنده چشمش چو سیاره شب فروزان از آن آتشش بولهب

(همان: ۹۴)

ظهیر در ابیات تشبیهی، از اغراق و مراعات نظیر بسیار بهره برده است. زیرا «اغراق تأثیر

۱۶ بررسی زیبایی‌شناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

سخن شاعر را در جهت موضوعی که بیان می‌کند، بیشتر و مؤثر می‌سازد. اغراق در هر مضمونی سبب می‌شود که آن مضمون از حدّ یک امر عادی و طبیعی خارج شود و همین خروج از حوزهٔ عواطف عادی، برجستگی و تشخیص و عظمت خاصی به آن می‌بخشد» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۵۳). و نیز «مراعات‌النظیر آوردن معانی متناسب در سخن است که ممکن است با مشبّه یا وجه شبه و یا هر دو و هر سه آورده شود. مراعات‌النظیر یکی دیگر از وضعیت‌های بدیعی است که اگر با تشبیه همراه باشد، باعث زیبایی و آرایش تشبیه خواهد شد و تشبیه را از نارسایی و ابتدال دور نگه می‌دارد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲). نمونه:

چو سوزن رازدار دوستانم همی خود را ز اهل بخیه دانم

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۱۰۴)

منم آن غنچه سیراب دل‌تنگ که خود از بلبل‌ی نشنیده آه‌تنگ

دروم هم‌چو غنچه توی برتوی به بیرونم چو گل هم‌رنگ و هم‌بوی

(همان: ۱۰۶)

استعاره

استعاره در خلق جلوه‌های شاعرانه نقش زیادی دارد. استعاره در خدمت توصیف، روشنگری و توضیح مفاهیم، خیال‌انگیزی، اغراق و اقتناع مخاطب استفاده می‌شود. اضافهٔ استعاری در این متن کاربرد فراوان دارد که بیشتر به صورت‌های استعارهٔ مکنیه است. کاربرد این نوع استعاره موجب تنوع تصاویر و زیبایی کلام شده است. برخی از اضافه‌های استعاری این کتاب عبارت است: جیب خرد (۳۷)، رعنا نگار (۱۸۵)، بوستان عشق (۱۹۶) ریاض سوز (۱۹۶) و..

تزام تصاویر استعاری نیز در این منظومه قابل توجه است و مشخص است که فضای غنایی حاکم بر آن در این مورد مؤثر بوده است. نمونه:

سرو سوزون ز گل بیرون آمد از دل غنچه بسوی خون آمد

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی زیباشناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی ❖ ۱۷

هم‌چو سرو از کنار بحر برُست برگ گل را در آب بحر بشست

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۶۶)

بر گل از نرگش گلاب افشانند ز آن نمک بر دل کباب افشانند

(همان: ۳۱)

استعارهٔ مکنیه، پرکاربردترین نوع استعاره در این منظومه است که بیشتر در قالب اسناد مجازی آورده شده است. تشخیص در این متن، خیال‌انگیز و پر کاربرد است، تویسنده با جان‌بخشی به اشیا و عناصر طبیعی و عناصر انتزاعی کلامش را مملو از حیات و حرکت و پویایی کرده است. زیبایی و خیال‌انگیزی استعارهٔ مکنیه (تشخیص) در این کتاب مخصوصاً در هنگام توصیف طلوع و غروب خورشید بسیار خواندنی است:

چو صبح آورد مهر پا در رکیب در آن کشور افتد صدای مهیب

آمیخت چو مهر و ماه تنویر در کاسه زهر شکر و شیر

(همان: ۵۰)

ندانستم ای ماه مسکین نواز که آوردم آنجا، که‌ام، بُرد باز

(همان: ۵۵)

سحر کاین کوتوال بام گردون سرآورد از حصار چرخ بیرون

(همان: ۵۷)

روز دگر زد ورقی آن سپهر نامهٔ شب محو شد از حکم مهر

مخترع چرخ به خط شعاع نامهٔ خورشید بکرد اختراع

(همان: ۶۸)

سحرگه که خورشید گیتی‌فروز به فیروزی آراست صف‌های روز

(همان: ۹۴)

سحر چون تیغ صبح آمد به پرخاش همه اسرار شب گردید از او فاش

(همان: ۱۲۷)

۱۸ بررسی زیباشناسی منظومه منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

شام چون کَنده شد ز اوج سپهر خیمه ز رنگار خسرو و مهر

(همان: ۱۷۷)

سحر کاین سپه‌دار با طشت و تیغ سر تیغ بنمود و بشکافت میغ

(همان: ۲۵۴)

سحرگه که خورشید گردون‌نورد بزد تخت بر گنبد لاجورد

عروس فلک، خرگه از بام برد سرپرده حجله شام برد

(همان: ۲۷۸)

کنایه

یکی دیگر از ابواب علم بیان، موضوع کنایه است. «کنایه ترکیب یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد. پس کنایه ذکر مطلبی و دریافت مطلبی دیگر است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۳). کنایه انواعی دارد، «از حیث دلالت مکنی به، به مکنی عنه شامل سه قسم است: کنایه از موصوف (اسم)، کنایه از صفت، کنایه از فعل یا مصدر» (همان: ۹۵) یکی از مختصات سبکی ظهیر در منوهر و دمالت استفاده گسترده‌ی وی از کنایه‌های فعلی است و کمتر از کنایه‌های صفتی و اسمی بهره برده است. تنوع کنایات فعلی در این منظومه بسیار زیاد است و به لحاظ وضوح و خفا، کنایه از نوع ایما از نظر کاربرد غلبه دارد. «ایما کنایه‌ای است که به محض شنیده‌شدن، عقل سلیم آن را در می‌یابد و سائط اندک و ربط بین معنی اول و دوم آشکار است. ایما در زبان امروز هم کاربرد دارد و به طور کلی، رایج‌ترین نوع کنایه است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۸). نمونه:

زدی از غضب بر یلان چون نهیب شدی پای ایشان برون از رکیب

(ظهیر، ۱۳۱۹: ۸)

می‌زنی ناوکم کشیده عنان بعد از آن می‌کنی مکان پنهان

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

بررسی زیبایی‌شناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی ❏ ۱۹

(همان: ۲۰)

به ی‌آد آ‌مدش گف‌ت‌هٔ ر‌اس‌ت‌ین ک‌ش‌ی‌د از ادب د‌س‌ت در آ‌س‌ت‌ین

(همان: ۲۷)

س‌ح‌ر بان‌گ و فر‌ی‌اد خ‌وا‌ه‌د‌ش‌دن س‌ر ه‌ر دو ب‌ر ب‌اد خ‌وا‌ه‌د ش‌د

(همان)

گ‌ف‌ت ت‌و ن‌ی‌س‌ت‌ی در آ‌غ‌وش‌م ح‌ل‌ق‌ه ب‌ن‌د‌گ‌یت در گ‌وش‌م

م‌ی‌ک‌ن‌م در ر‌ه‌ت پ‌ر‌س‌ت‌اری ت‌ا م‌گ‌ر گ‌وش س‌وی م‌ن د‌اری

(همان: ۳۱)

ب‌گ‌ف‌ت ای ش‌اه م‌ل‌ک ح‌س‌ن و خ‌وب‌ی ش‌ه‌ان ب‌ر در‌گ‌ه‌ت در خ‌اک ر‌وب‌ی

(همان: ۲۳)

و ن‌ی‌ز ن‌م‌ون‌ه‌های د‌ی‌گ‌ر م‌ان‌د: ن‌م‌ک در ب‌اده آم‌ی‌خ‌تن و خ‌س‌ک در ج‌ام‌ه ر‌ی‌خ‌تن (۳۷) در چ‌اه

ر‌ف‌تن (۴۱) ر‌خ‌ت ص‌ب‌وری در آب اف‌ک‌ندن (۶۴) در م‌ی‌ان خ‌اک غ‌ل‌ط‌یدن (۶۰) پای‌دادن (۹۱)

نتیجه

شاعران و ادیبان فارسی زبان از دیرباز تا کنون دربارهٔ زیبایی و زیبایی‌شناسی سخن‌های زیادی گفته‌اند، اما تا کنون تعریف واحد و معیار خاصی در این باره ارائه نکرده‌اند. ظهیر کرمانی در منظومهٔ منوهر و دمالت نیز به شیوه‌ای گذرا به مفاهیم زیبایی‌شناسانهٔ شعر و هویت و چستی عناصر زیبایی‌شناسی توجه نموده است.

وجود آرایه‌های بدیعی و عناصر تصویرساز و زیبایی آفرین از عوامل تأثیرگذار در شعر ظهیر کرمانی است. کاربرد آرایه‌های بدیعی متفاوت در این منظومه، نشان از هنر شاعر در استفاده از انواع آرایه‌های بدیعی دارد. نقش عناصر بیان و تصویر (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) نیز در ایجاد تصاویر هنری و زیباسازی شاعرانه و گیرایی و تأثیر کلام ادبی بسیار پررنگ است.

ظهیر کرمانی برای بهتر موثر واقع شدن کلام، در این منظومه، بیشترین بهره را از تشبیه و استعاره برده. از نظر آرایه‌های بدیع لفظی ۶۷/۳۴ درصد و آرایه تکرار ۲۷/۸۹ درصد به کار رفته است. یکی از روش‌های مهم بدیع لفظی که باعث ایجاد یا افزایش موسیقی کلام و زیبایی شعر شده، تکرار است. تکرار واج، هجا (صامت، مصوت و واژه) شواهد بسیار دارد. تکرار معمولاً نمود تکیه و تأکید و یا توجه و علاقمندی شاعر به موضوع و مفهوم خاصی است که ایجاد نوعی آهنگ و انسجام ساختاری می‌کند و در زیباسازی کلام شاعرانه نقش آفرین است. تکرار در سطوح گوناگون، گذشته از جنبه‌های مختلف بلاغی و به‌ویژه تکیه و تأکید و جلب نظر مخاطب، از مختصات مهم زبان شعر ظهیر است که ناشی از توانایی و توجه وی به عناصر زیبایی‌شناسانهٔ کلام شاعرانه است و بیان‌گر شناخت وی از ابعاد مختلف واژه هاست.

از نظر آرایه‌های بدیع معنوی نیز کاربرد مراعات‌النظیر بسامد بالایی برخوردار است. اما تنوع آرایه‌های بدیع معنوی و کاربرد آرایه‌هایی چون تمثیل، تنسیق‌الصفات، لف و نشر، تشبیهات حروفی و موازنه در مشاهده می‌شود که این موضوع هنر شاعر را در کاربرد مهارت‌ها و تکنیک‌های شاعرانه نشان می‌دهد.

منابع و مأخذ

- ۱- اسلامی ندوشن، محمدعلی. جام جهان‌بین. تهران: نشر جامی، ۱۳۸۲.
- ۲- آقاحسینی، حسین؛ آگونه جونقانی، مسعود، «هالهٔ ارزشی واژگان»، نشریهٔ جستارهای ادبی، ش ۱۶۵، صص ۱۶۱-۱۸۰، ۱۳۸۸.
- ۳- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۱.
- ۴- جواد، سید ضیال‌الدین، «چند اشاره دربارهٔ آرایهٔ سجع»، کیهان فرهنگی، ش ۱۵۷، صص ۳۶-۳۸، ۱۳۷۸.
- ۵- درایتی، مصطفی. فهرست‌وارهٔ دست‌نوشته‌های ایران (دنا). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۷- ذوالفقاری، حسن. یک‌صد منظومه عاشقانه ادب فارسی. تهران: چرخ و چشمه، ۱۳۹۲.
- ۸- رجینالد هالینگ دیل. تاریخ فلسفه غرب. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.
- ۹- زرین کوب، عبدالحسین. شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب. تهران: علمی، چاپ هفتم، ۱۳۷۲.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- ۱۱- شمس‌قیس. المعجم فی معاییر اشعارالعجم. به کوشش سیروس شمیسا، تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۱۲- شمیسا، سیروس. نگاهی تازه به بدیع. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶.
- ۱۳- _____، _____، بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۳.
- ۱۴- صادق‌یان، محمدعلی. زیور سخن در بدیع فارسی. یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۷۹.
- ۱۵- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات ایران. جلد ۱، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
- ۱۶- ظهیر کرمانی، ابراهیم، (ق). منوهر و دمالت (مجمع‌البحرین). مشهد: ش ۴۹۴۵، کتابخانه رضوی، ۱۳۱۹.
- ۱۷- عباسی، حبیب‌الله. سفرنامه باران (نقد و تحلیل اشعار دکتر شفیعی‌کدکنی)، تهران: نشر روزگار، ۱۳۷۸.
- ۱۸- فتوحی، محمود. سبک‌شناسی. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۰.
- ۱۹- فروزانفر، بدیع‌الزمان. سخن و سخنوران. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
- ۲۰- معدن‌کن، معصومه؛ واحد، اسدالله؛ عبدالله‌زاده حسن، «بازخوانی مؤلفه موسیقایی وزن شعر و عوامل مؤثر بر آن»، مجله فنون ادبی، دورهٔ ۹، ش ۱۸، صص ۳۹-۵۲، ۱۳۹۶.

۲۲ بررسی زیبایی‌شناسی منظومهٔ منوهر و دمالت ظهیر کرمانی

- ۲۱- نایجل واربرتون. مبانی فلسفه. ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس، ۱۳۹۰.
- ۲۲- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما، ۱۳۸۰.
- ۲۳- وحیدیان کامیار، تقی. بدیع. تهران: انتشارات دوستان، ۱۳۷۹.
- ۲۴- یوسفی، غلامحسین. موسیقی کلمات در شعر فردوسی. مجموعه مقالات کاغذ زر، تهران: سخن، چاپ دوم، صص ۱۶۷-۲۱۲، ۱۳۸۶.